

## عنوان مقاله:

واک داری و دمش در زبان فارسی براساس نظریه واج شناسی حنجره ای

## محل انتشار:

پژوهش های زبان شناسی، دوره 2، شماره 2 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسنده:

بتول علی نژاد - استادیار گروه زبان شناسی دانشگاه اصفهان

## خلاصه مقاله:

در واج شناسی واک داری یا بی واک از وجوه توصیفی آواهای زبان تلقی می شود. اما بر اساس نظریه حنجره ای ( laryngeal phonology ) ، مشخصه [واک] در همه زبان ها و برای همه طبقات واجی جنبه واجی ندارد، بلکه واک داری می تواند در برخی زبان ها صرفاً جنبه آوایی داشته باشد (ادزاردی و اوری ۲۰۰۱). این مقاله در پی تحلیل همخوان های زبان فارسی در چارچوب این نظریه واجی است. نتیجه بررسی حاکی از آن است که زبان فارسی در رده زبان هایی قرار می گیرد که در آنها دمش در طبقه واجی همخوان های گرفته ویژگی زیر بنایی و واجی است نه واک داری و بر اساس این نظریه، بعد [پهنای چاکنای] ( glottal width ) که با هیئت [گسترده] ( spread ) پر می شود در همخوان های گرفته زبان فارسی تمایزدهنده است، اما در همخوان های رسا واک داری تمایزدهنده است و با بعد [کشش چاکنای] ( glottal tension ) تکمیل می شود.

## کلمات کلیدی:

نظریه حنجره ای، بعد، هیئت، دمش، واک داری غیر فعال

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1361198>

